

بازار سرمایه از رسالت اصلی دور شده است؛

ابزارهای مالی نوین زیر چکمه بی اعتمادی به بورس

رسالت اصلی بازار سرمایه زیر اوراق قوانین شبانه گم شده و ابزارهای مالی نوین در روزهای بی اعتمادی سرمایه گذاران به وعده‌های دولتمردان فراموش شده است.

به گزارش پایگاه تخصصی تحلیلی سرمایه نگر، بازار سرمایه و اوراق بهادار در جهان امروز محلی است پر رفت و آمد که نقدینگی‌های بسیاری در آن جابجا می‌شود و همین حجم بالای سرمایه در گردش، این بازار را برای بسیاری جذاب کرده است.

سرمایه‌های کلانی که در بازار سهام در جریان است به نوعی سبب پیدایش ابزارهای مالی شده که این نیز به نوبه خود انگیزه مشارکت و حضور عموم مردم را در این بازار بالا برده است.

به همین جهت، بورس در دنیای سرمایه گذاری به محلی مناسب و امن برای تامین منابع مالی تبدیل شده و به علت تنوع بالای ابزارهای مالی و شیوه‌های تامین سرمایه در گردش گروه‌های مختلفی را به سوی خود می‌کشاند. در واقع، ابزارهای مالی نوین مسیر سرمایه‌گذاری و تامین مالی را دگرگون ساخته است.

ابزارهای مالی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی بازار سرمایه هر کشور، نقش مهمی در تسهیل جریان سرمایه و مدیریت نقدینگی ایفا می‌کنند. این ابزارها طیف گسترده‌ای از قراردادها و توافق‌نامه‌ها را در اختیار سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها قرار می‌دهند که با استفاده از آن‌ها می‌توانند به اهداف مالی خود دست یابند.

این ابزارها فضای پویاتری جهت مدیریت ریسک، افزایش نقدینگی و بهبود کارایی و بهره‌وری مالی را در اختیار سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها و حتی سیاست‌گذاران اقتصادی قرار می‌دهد.

در نتیجه، می‌توان چنین گفت که ابزارهای مالی و استفاده صحیح و به جا از آن‌ها نه تنها موجب افزایش کارایی و انعطاف‌پذیری بازار سرمایه کشور می‌شوند بلکه به سرمایه‌گذاران این اطمینان را می‌دهد که با خاطری آسوده نسبت به سرمایه گذاری در این بازار اقدام نمایند.

با همه این اوصاف، بازار سرمایه کشور و متولیان آن نتوانستند از این ابزارها و موقعیت پیش‌رو به درستی استفاده کنند و مسیر تامین مالی از طریق بازار سهام و اوراق بهادار به بیراهه کشانده شد؛ به گونه‌ای که دیگر کمتر خبری از تامین مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی از درگاه تابلوی معاملات بورس به گوش می‌رسد.

این در حالی است که بستر فراهم شده از طریق بورس چنان برای تامین مالی و جذب سرمایه‌های سرگردان مناسب است که بسیاری از مشکلات مالی شرکت‌ها و حتی طرح‌های اقتصادی و اجتماعی دولت را می‌توان از طریق آن برطرف کرد اما؛ به دلیل سیاست‌گذاری‌های اشتباه، اعتماد مردم از بازار سرمایه کشور از بین رفته و جلب این اعتماد از دست رفته کاریست بس دشوار و زمان‌بر.

زمانی که سیاست‌گذاری‌های اشتباه و تصمیم‌گیری‌های شبانه جای بازار آزاد را گرفت و سرمایه‌گذاران سرمایه خود را طعمه‌ای برای اهداف سیاسی و اقتصادی گروهی خاص دیدند، اعتماد از بازار سرمایه رخت بست و بی اعتمادی بدترین و فجیع‌ترین اتفاقی است که برای اقتصاد و بازار مالی یک کشور می‌تواند اتفاق افتد.

ناکامی‌های بورس در جذب سرمایه گذاری و مولدسازی سرمایه‌های سرگردان برای فعالان اقتصادی بسیار نگران‌کننده است و ریشه آن را می‌توان در عدم تقویت نهادهای مالی، قیمت‌گذاری دستوری در صنایع، ریسک سالانه نرخ خوراک و انرژی صنایع و عوامل بسیاری دیگر دنبال کرد.

در وهله اول، از آن جایی که این دولتمردان بودند که با تبلیغات و وعده‌های بسیار سرمایه‌های مردم را به بازار سرمایه کشاندند و سپس با قوانین و دستورالعمل‌های خلق الساعه آتش به خرمن مردم انداختند، اکنون نیز در وهله اول اعتماد مردم به بورس با حمایت دولت بازمی‌گردد و این دولت است که باید پل‌های خراب شده میان مردم و بازار سهام را مجدداً بازسازی کند تا سرمایه‌ها و نقدینگی راه خود را به بورس پیدا کند.

بر کمتر کسی پوشیده نیست که حضور و ورود سرمایه‌های سرگردان و نقدینگی در دست مردم به بازار سرمایه به مراتب بهتر از حضور سرمایه‌ها در بازار ارز و طلا است که ارتباط بسیار زیادی با تورم و رفاه اقتصادی و اجتماعی و در نهایت معیشت مردم دارد.

زمانی که حجم سرمایه در گردش در بورس بالا رود، ابزارهای مالی نیز جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کنند و شرایط و فضا برای استفاده گسترده و بهینه از آن‌ها فراهم می‌شود اما؛ وضعیت اکنون بازار سهام کشور به گونه‌ای نیست که بتوان از این ابزارها استفاده کرد.

شرایط کنونی بورس با شرایط مطلوب فاصله بسیاری دارد و دیگر حتی عرضه‌های اولیه که زمانی جزو جذاب‌ترین و هیجان‌انگیزترین اتفاقات بازار سهام

به شمار می‌رفت، خاطرخواه ندارد و همان گونه که شاهد هستیم اوضاع بازار به حدی بهم ریخته و نقدینگی از بازار رخت بر بسته که کمتر شرکتی جرات می‌کند در این بازار سهام خود را عرضه کند.

دیگر مانند گذشته خریداران جدی پای عرضه اولیه ننشسته و در نهایت مشاهده می‌کنیم که خیلی زود سهامداران عمده آن شرکت مجبور می‌شود سهام خود را مجدداً از سهامداران خرد و کلان خریداری کنند و به هدف خود که تامین مالی از طریق عرضه اولیه بوده نمی‌رسند و در این امر شکست می‌خورند.

عرضه‌های اولیه ابزاری کلیدی برای تامین مالی شرکت‌ها و هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد تولید محسوب می‌شوند اما؛ از آن جایی که نبض بازار اکنون به کندی می‌زند و شاخص اعتماد فعالان اقتصادی به بورس افت کرده، کلید عرضه اولیه دیگر قفلی از مشکلات مالی و نقدینگی بنگاه‌ها را باز نمی‌کند.

بنابراین، تا زمانی که وضعیت عمومی بازار سرمایه و متغیرهای کلان اقتصادی نشانه‌های رشد را مخابره نکنند، میزان ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران بالا نمی‌رود و نمی‌توان انتظار داشت بازار سرمایه کشور به جایگاه واقعی خود در تامین مالی شرکت و به کارگیری ابزارهای نوین مالی تبدیل شود.

رونق بورس رونق تامین مالی را به همراه خود به ارمغان می‌آورد و نه تنها شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند با استفاده از ابزارهای مالی نوین نسبت به تامین نقدینگی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و امورات جاری خود استفاده کنند بلکه دولت نیز می‌تواند از این شرایط برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود نیز بهره گیرد.

در یک کلام می‌توان گفت که رونق بورس نفع همگانی به دنبال دارد و زمانی که این بازار به روزهای اوج خود بازگردد و کارایی واقعی خود را بدست آورد، به محلی برای جذب سرمایه و تامین مالی تبدیل می‌شود.

محمدعلی غلامرضایی